

## سمت گیری رویدادها در ایران

[korosherfani@yahoo.com](mailto:korosherfani@yahoo.com)

کوروش عرفانی

اقتصاد ایران می رود که بحران های تازه ای را تجربه کند. قیمت برخی از اجناس مانند برنج به یکباره و در مدت چند هفته به میزان 80 درصد رشد نشان می دهد. نرخ تورم اینک به بالای 30 درصد رسیده است و میلیاردها دلار نفتی نیز دیگر نمی تواند سیر فزاینده ی افزایش قیمت ها را متوقف کند. به نظر می رسد که مدیریت سپاهی بر اقتصاد ایران چنان به ساختارهای مالی و تی کشور لطمه زده است که رژیم جمهوری اسلامی را به یک مسیر بدون بازگشت می کشاند.

### آینده ی دولت احمدی نژاد

در شرایطی این چنین دولت احمدی نژاد که فاجعه آمیزترین موقعیت را برای اقتصاد و جامعه فراهم کرده است دو راه در پیش روی دارد: یا باید این مسیر را ادامه داد و سراشیبی سقوط و هرج و مرج را بپذیرد و یا قدرت را تحویل جناح های دیگری از نظام بدهد تا آنها با روش هایی متفاوت در عرصه ی اقتصادی و سیاسی سرنوشت نظام را به گونه ی دیگری رقم زنند.

سناریوی نخست، یعنی پیش رفتن در مسیر سراشیبی و انحطاط عمومی اقتصادی-اجتماعی همان کاری است که پاسداران لباس شخصی کابینه ی احمدی نژاد به آن مشغول هستند. در این سناریو تصمیم گیری های غیر عقلانی مانند ادغام بانک های دولتی و تبدیل آن ها به صندوق های قرض الحسنه،<sup>1</sup> تعیین نرخ سود بانک ها از جانب دولت به جای بانک مرکزی، استفاده ی بدون نظار از جانب هیئت معتمد از حساب ذخیره ارزی، افزایش بی رویه ی واردات، افزایش فشارهای اجتماعی، سرکوب، اعدام و بازداشت ها و در نهایت استقرار جو نظامی گری با هدف برخورد با فشارهای خارجی به دلیل پی گیری پروژه های هسته ای و افزایش دخالت ورزی های سیاسی نظامی در کشورهای منطقه... دیده می شود.

در سناریوی نیروهای مافیایی بنیادین نظام از جمله جناح روحانیت در قدرت و بازاری های حاکم بر اقتصاد کشور در صدد برخوردند آمد تا دولت پاسداران به ریاست جمهوری اسلامی احمدی نژاد را کنار زده و نهادهای قدرت سیاسی را از آنها پس گرفته و پاسداران را به داخل پادگان ها بازگردانند. در این راستا عملکرد باند رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت و رسیدن علی لاریجانی به ریاست مجلس برخی از گام های حساب شده در این مسیر هستند. در حال حاضر تمام راه های معمولی که رژیم با آنها به طور کاذب برای خود پول می ساخت به بن بست رسیده است. از جمله انتشار اوراق مشارکت که به طور مثال در مورد وزارت نیرو<sup>2</sup> زیرا خریداری پیدا نمی کرد.

در حالی که تحریم های بین المللی فشار زیادی را به اقتصاد ایران تحمیل کرده و می رود که صورت رد بسته ی مشوق ها از جانب رژیم و تحریم بانک مرکزی ایران ابعاد جدیدی به خود بگیرد شاهدیم که بسیاری از صنایع توانایی خویش برای تامین مواد اولیه از دست داده اند و

<sup>1</sup> <http://www.tabnak.ir/pages/?cid=11335>

<sup>2</sup> <http://www.resalat-news.com/Detail.aspx?cid=105183>

موج جدیدی از تعطیلی صنایع و بیکارسازی کارگران در چشم انداز است. از سوی دیگر فجایع طبیعی بر وجه بحرانی شرایط افزوده است و پیش بینی می شود که در سال 1387 ایران با خشکسالی مهمی روبرو باشد. سازمان جهانی خواربار « پیش بینی کرده است تولید غلات در ایران طی سال جاری 8/2 میلیون تن کاهش پیدا کند و به کمتر از 20 میلیون تن برسد.»<sup>3</sup> در چنین شرایطی می توان پیش بینی کرد که با توجه به بروز بحران در سطح اقتصاد جهانی و افزایش بی سابقه ی قیمت نفت جای زیادی برای قدرت های جهانی در جهت حمایت از رژیم جمهوری اسلامی در جهت حفظ بقای آن با هدف سودرسانی به کشورهای سرمایه داری باقی

### بهره برداری نهایی از رژیم

از همین روی نیز باید بر این باور باشیم که با گسترش بحران موضوع آخرین بهره برداری از رژیم ضد ایرانی و ضد انسانی جمهوری اسلامی مطرح خواهد شد و این نخواهد بود مگر بهانه قرار دادن ایران برای آغاز یک جنگ بزرگ منطقه ای و ایجاد یک سرچشمه ی تحرک کاذب جدید برای سرمایه داری جهانی از طریق تغذیه ی این جنگ، به سرانجام رساندن آن و در نهایت طرح موضوع بازسازی کشورهای ویران شده ی خاورمیانه و بازگرداندن میلیاردها دلار نفتی که بابت این قیمت بسیار بالا از جانب کشورهای سرمایه داری به کشورهای نفت خیز خلیج فارس سرازیر شده است. جنگ با ایران بی شک جنگی منطقه ای خواهد بود و به ناگهان قیمت نفت را به بیش از 200 دلار خواهد رساند. اما کشورهای غربی از پرداخت این بها باکی ندارند زیرا می دانند بعد از پایان این جنگ و ویران سازی بسیاری از کشورهای خلیج فارس این دولت ها باید این پول ها را در ازای تکنولوژی و امکانات بازسازی غربی و تسلیح مجدد خود به آنها باز گردانند. این امر سبب خواهد شد که حوزه ی حضور نظامی آمریکا تمام منطقه ی نفت خیز خاورمیانه را دربرگیرد و کنترل بیش از 50 درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار گیرد. امری که به آمریکا و سرمایه داری اروپایی اجازه خواهد داد تا ابزار مناسبی برای مقابله با رشد نگران کننده ی اقتصادهای چین، هند و روسیه در اختیار داشته باشد.

با توجه به آینده ی نابسامان اقتصادی، چشم انداز شورش اجتماعی و آینده ی نامطمئن سیاسی ایران این احتمال بسیار قوی است که مفیدترین و جالب ترین کارکرد رژیم جمهوری اسلامی پس از سی سال خدمت رسانی به سرمایه داری جهانی و صهیونیسم منطقه ای در این خلاصه شود که این رژیم بهانه ای برای خروج موقتی سرمایه داری بحران زده ی غرب از سکون و ایستایی ساختاری باشد.

سناریو دیگری که قابل تصور است، یعنی عدم حمله ی نظامی به ایران و تبدیل رژیم ایران به یک رژیم متد از طریق کنار زدن مافیای سپاه توسط روحانیون و بازاریان و سازش این جناح ها با غرب و بقای آنها در یک ایران تا حدی سر به راه شده هر چند ناممکن جلوه نمی کند

های اقتصادی فاجعه بار داخل کشور و وضعیت بحران زده ی سرمایه داری جهانی همخوانی . به همین دلیل نیز شانس تحقق آن بسیار کم و ناچیز است. در حالیکه احتمال بروز جنگ

ضد مردمی و سرمایه داری که پاسداران نیز بقای نظام را مانند طالبان در جریان جنگ

در آن می جویند بسیار زیاد است و علائم فراوانی حکایت از آن دارد که  
11  
رویدادها بیشتر به این سو می روند.

<sup>3</sup> <http://www.resalat-news.com/Detail.aspx?cid=105185>

سرکوب حماس در نوار غزه، خلع قدرت سیاسی از حزب الله در لبنان و شناسایی و خنثی کردن بخش اعظمی از نیروهای رژیم در عراق به طور عملی جبهه های فرعی نبرد با رژیم ایران را بی استفاده کرده است و بنابراین آنچه اینک می ماند خنثی ساختن خطر احتمالی موشک پرانی های رژیم از داخل خود ایران به سوی هدف های بیرونی می باشد. به نظر می رسد که با پایان گرفتن پیش بینی های لازم برای این منظور و از آنجا که محاصره ی زمینی و دریایی ایران در حال تکمیل است دلیل دیگری برای تعویق این حمله وجود نخواهد داشت. برعکس دلایل زیادی برای تعجیل در این امر است که از جمله ی آنها فرصت کوتاه بوش قبل از آغاز انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا می باشد. به همین دلیل اجرای این سناریو در چند ماه آینده است.

در این شک نیست که رژیم ضد ایرانی جمهوری اسلامی حفظ قدرت را بر هر جنگی ترجیح می دهد اما این قاعده یک استثنا دارد و آن زمانی است که حفظ قدرت تنها از طریق جنگ امکان پذیر

باید بدانیم که رژیم بین رویارویی با شورش سرنگون ساز ایرانیان جان به لب آمده که شانس بقای رژیم و آدمهایش در آن صفر است و برقراری جنگی که شاید از پس کشتار صد ها هزار ایرانی و ایرانی کامل کشور شانس بقایی برای آنها بگذارد بی شک راه دوم را برخواهد گزید. مگر آنکه در بر پاشنه ای دیگر بچرخد و راه برای سازش و ادغام در اقتصاد جهانی برایشان باز شود. این امکان بستگی به جراحی هایی عظیم در بدنه ی نظام دارد که جمهوری اسلامی را در مقابل انتخاب هایی در داور قرار خواهد داد و از آن رژیمی دیگر خواهد ساخت.

## نقش نیروهای تغییر گرا

این بررسی نشان می دهد که برای تمام نیروهای فعال سیاسی و تغییر طلب وظایف و مسیرهایی مشخصی ترسیم شده است. یا به سمت سناریو شورش های داخلی خواهیم رفت که در این صورت باید آمادگی داشت تا آنها را خوب سازماندهی کرد و نیروهای آگاه و سازمان یافته را به سوی برانداختن قهرآمیز نظام به پیش برد. این امر مستلزم کسب آمادگی در سطح فردی و تشکیلاتی از همین حالا می باشد.

یا به سوی سناریو جنگ خواهیم رفت که در این صورت نیروهای خود را بر پرهیز از بازی های ناسیونالیستی رژیم، دخالت ورزی قهرآمیز و به دست گرفتن قدرت سیاسی برای پایان بخشیدن به جنگ و تجاوز آماده سازند.

و یا به سوی سناریو سازش خواهیم رفت که در این باره نیز نیروهای تغییر طلب باید از هم اکنون سازماندهی مبارزات اجتماعی، طبقاتی و صنفی باج هایی چنان گران از رژیم بگیرند که امکان خلع قدرت از حاکمیت ضد مردمی در قالب یک جنبش اعتراضی وسیع مردمی ممکن شود.

وظیفه ای که بر عهده ی ماست برای هریک از این سناریوها مشخص است و بدیهی است که با پی گیری اخبار و رویدادها و تجزیه و تحلیل آنها می توانیم تقویت شاخص های تحقق این یا آن سناریو را مشاهده کرده و دریابیم و به تناسب آنها به کسب آمادگی های متناسب با آن بپردازیم.

\* \*